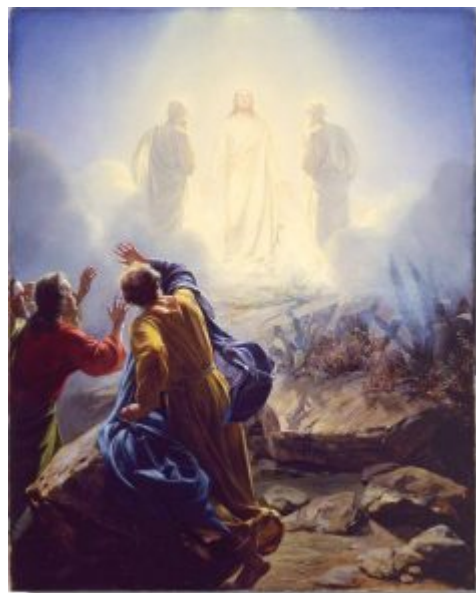


چرا مسیح به مریم مجدلیه گفت: "به من دست زنن"؟ (یوحنا فصل ۲۰ آیه ۱۷)



نویسنده مقاله: مهران پورپشنگ

اولین روز هفته، صبح زود یکشنبه بود. زنی به نام مریم مجدلیه در کنار قبر خالی استاد خود، عیسی مسیح، نشسته بود و گریه می کرد. او تنها بود. ناگهان احساس کرد کسی پشت سر او ایستاده است. برگشت و نگاه کرد. عیسی خودش بود. ولی مریم او را شناخت.

غم و اندوه مریم، چشمان دل او را بسته بود. او نتوانست مسیح را تشخیص دهد. شاید آفتاب هنوز طلوع نکرده بود و یا در اثر گریه، دیدگان او تاریک شده بود. عیسی از مریم پرسید: "چرا گریه می کنی؟ دنبال چه کسی می گردی؟"

مریم به گمان این که باغبان است، به او گفت: "آقا، اگر تو جسد او را برده ای، بگو کجا گذاشتی تا بروم او را بردارم."

او مسیح را با باغبان اشتباه گرفت. نجات دهنده جهان به مردم خیلی نزدیک است، ولی آن ها او را نمی شناسند.

عیسی گفت: "مریم!"

مریم برگشت و عیسی را شناخت و با شادی فریاد زد: "استاد!"

مریم هنوز عیسی را معلمی بزرگ می شناخت. اما او نفهمیده بود که او چیزی بزرگ تر از استاد بزرگ

است. او خداوند و نجات دهنده او بود. بنابراین، خداوند برای توضیحی کامل تر و صمیمی به مریم گفت: "به من دست نزن، چون هنوز نزد پدر بالا نرفته ام."

واقعیت این بود که مریم شخصا عیسی را به عنوان یک انسان می شناخت. او شاهد معجزاتی از سوی مسیح بود، در زمانی که حضور فیزیکی و انسانی داشت. بنابراین، مریم به این نتیجه رسیده بود که اگر قادر نباشد مسیح را از طریق مرئی ببیند، نخواهد توانست از او برکت بیابد. مسیح باید طرز تفکر او را تصحیح می کرد. به عبارت دیگر مسیح به مریم گفت: "من را همچون انسانی که در جسم است، لمس نکن. باور کن که من خداوند هستم."

واقعیت این است در زمانی که مسیح در میان مردم حضور فیزیکی داشت، دو نوع نگرش درباره او بود. او از شاگردان سؤال کرد که از نظر مردم من کی هستم؟ سپس پرسید که شما (شاگردان) درباره من چه نگرشی دارید؟ دیدگاه شاگردان این بود که مسیح، خداوند است.

اما نگرش مردم و حتی پیروان مسیح مانند مریم مجدلیه آن بود مسیح یک استاد اخلاق و شاید پیغمبر است. بعد از تاسیس کلیسا و گسترش آن در امپراطوری روم، مورخین یونانی، رومی و یهودی در قرن اول میلادی چنین گزارش دادند که مسیحیان معتقدند که عیسی، خداوند است.

شاید درک مطلب مذکور برای برخی از خوانندگان دشوار باشد. مسیحیت شما را تشویق می کند تا با خدا دوست و صمیمی شوید. اعتقاد به خدا کافی نیست. خدا، خالق کائنات، می خواهد با شما ارتباط صمیمانه برقرار کند. او مشتاق است بهترین دوست شما شود. وقتی با خداوند صمیمی شدید، او به شما درباره مسیح و روح القدس خواهد گفت. تنها راه درک تثلیث، صمیمیت با خدای حقیقی است.